

ما و پیشوای ما

هلال محرم باز غوغائی بپا کرده و برای هزار و سیصدمین بار خند خیمه‌ماه نوتوق فاجعه دردناکی را بیاد می‌آورد .

مردم بر حسب استمداد و امکان مادی و معنوی خود آماده تظاهر و عزاداری میشوند و میخواهند با شرکت در مراسم یاد بود شهیدان شرافتمند راه خدا اخلاص خود را فداکارانیکه همه چیزشانرا در راه احیاء حق و عدالت از دست دادند نشان داده و توبه آخرتی نیز ذخیره کنند .

پس از واقعه جانگداز کربلا کتابها و داستانهای مختلفی در این باره نوشته شده و هر نویسنده بر حسب ذوق و توانائی فکری خود در اطراف این حادثه از تمام جهات بحث کرده و تا حدیکه میتواند در عظمت روح و مقام شهید راه حق فلسفهرسانی کرده است خصوصاً علاقه مخصوصی که کشور ما از لحاظ دارا بودن مذهب تشیع به آل محمد ص دارد میدان بحث و مطالعه را در تشریح واقعه دلخراش کربلا وسعت داده و نویسندگان بقدر لزوم احساسات و تراوشات فکری خود را برای آیندگان بیادگار گذاشته اند .

امروز نیز مردم مثل گذشتگان باین موضوع علاقه نشان داده و با احساسات بیشتری بدر تجلیل و احترامی را که اجداد ما برای فداکاران راه حق کاشته اند به نمر میرسانند .

حقیقت این است که من در اینجا نمیخواهم در باره عظمت روح و مقام حضرت حسین (ع) و یاران گرامیش سخن گویم زیرا اولاً این مطلب بیش از حد آشکار بوده و بیازی بتوضیح ندارد و آنچه لازم بود گفته و نوشته شده است نائیباً از نظر من بی اوضاع و احوال اجتماعی و روحیات و اعمال مسلمانان موجود مشکل است رابطه حقیقی بین ما و حضرت حسین پیدا کرد (صرفنظر از عده معدود) و بغیر حق داد تاضین اظهار علاقه و وفاداری بشخص و یاران آن بزرگوار سخنی نیز در حلقه مقام ایشان گفته شود زیرا تماوف و چرب زبانی توخالی را در باره

گنج شایگان ————— ما و پیشوای ما

مردان خدا بکنوع جسارت غیرقابل عفو میدانم و ترجیح میدهم بجسای تعریف از حضرت حسین رابطه خود را از لحاظ فکر و عمل با آن بزرگوار روشن کنیم زیرا باعتقاد ما حضرت حسین امام ما میباشد و هر مأموم باید فکراً و عملاً از امام خود پیروی کند و الا اذهای مفت و بی‌مورد خواهد بود .

حسین ع راد مردی بود که بتصدیق تمام نویسندگان بدون توجه به کمی پیروی مادی و قلت یاران وفادار جان خود را در راه اجرای عدالت و بازکردن راه حق بکف نهاد و پروانه وار بدور شمع حقیقت طواف نمود تا در راه احیاء دین خدا و حکومت حق و داد با آتش بیداد سوخت زمانیکه قصد کربلا داشت و با پای خود وادی بلا را می پیمود مقدرات خود را با بیان معروف **خط الموت علی ولد آدم مخط القلادة علی جید الفئاة**

(مژک بر گردن اولاد آدم مثل گردن بند بر گردن زلسان نوشته شده) پیش بینی کرد و با کمال علم و احاطه بسر نوشت ناکوار درطی این مرحله جانگداز شهادت شرافتمندانه را بر زندگی عامه انتخاب نموده فرمود : **الموت اولی**

من رکوب العار

ما چطور ؟

حسین ع فداکاری بود که تنها توجهش بسوی خدا و عنایتش بحق و حقیقت بود و میگفت مردم بایند باتمدن حق و در زیر حکومت حق زندگی کنند
بیدادگران و مردم فریبان و مزورین ولو اینکه بنماز جماعت بیایند و نام امیرالمؤمنین بر خود گذارند و دریا کارانه دم از اسلام و دین بزنند سزوار حکومت حق نیستند و تا پای جان در اجرای این فکر ایستاد خود و اولاد و بیچه شیرخوار و یاران وفادار در راه مبارزه با حکومت سالوس وریا فدا و شهید شدند و زنان و دختران او که نوادگان پیغمبر اسلام بودند در راه وصول بمقصود تسلیم زنجیر و زندان خلیفه باصطلاح مسلمان شدند چرا ؟ برای اینکه امام مانتها یک هدف داشت حق و حقیقت و غیر از این همه چیز در نظرش بی ارزش بود حتی زن و بیچه و پسر و دختر .

ترکت الخلیق طرفی هواکا - و ائیمت العیال کنی اراکا
پروردگارا در راه وصول بحق به تمامی کائنات حتی به زن و بیچه ام پشت پا زده و ترک علاقه نمودم .

این نمونه ای از قول و فعل حضرت حسین بود .

اما ما چطور ؟

حسین ع مردی بود که در آن لحظات طاققت فرسای مبارزه با آنهمه آلام روحی و جسمی متانت خود را از دست نداد و حوادث را با پیشانی بساز در راه

سجده شایگان ————— ما و پیشوای ما

حمایت از حق و صاف کردن جاده عدالت خدای استقبال نمود و عطش جسمانی را با آب رضا بقضائك و تسلیماً لامرک لامعبود سواک خدا یا بقضای تو رضایت دارم و به او امر تو تسلیم هستم و غیر از تو خدای ندارم) سیراب کرد.

اما ما؟

حسین جانبازی بود که تا آخرین رمق حیات وظیفه فردی و اجتماعی خود را در خدمت بحق و خلق ترک نکرد و در دقائق آخر زندگی آخرین نماز را ادا کرد و به یار وفاداراش ابونامه صید اوی به کلمه ذکر **الصلوة جعلک الله من المصلین** اهمیت خضوع و فروتنی در مقابل پروردگار را تذکر داد و ثابت نمود سربلندی در مقابل جبار و روزگار خم نمیشود در برابر سلطان حق پیشانی بر خاک سیاه می نهد و روی بر زمین می ممالد.

ما چطور؟

سین شهبندی بود که اینبده فداکاری را فقط برای خدا و در راه حمایت از حق انجام داد و ذره ای طمع مادی و انتظار تشویق از مردم را نداشت موقتیکه یارانش از بیوفائی مردم کوفه سخن میرانند با کلام و **من هو ان الدنیاعلی الله تعالی ان اهدی راس یحیی بن زکریا یبھی من بغایا بنی-**

اسرائیل

(در بیمقاری دنیا همین بس که سر حضرت یحیی (ع) به ستمگری از ستم کاران بنی اسرائیل هدیه فرستاده شد)

آب سردی با آتش حرص یاران پاشید و نشان داد داعی و علت مبارزه او فقط جنبه حقانیت موضوع است و تمایل و عدم توجه خلق در مبارزه و آرزو خلق اثری ندارد و مرد خدا آرزو مبارزه را با انتظار کوچک ازین نمی برد و از مردم غافل باداشی جز هدایت براه حق نمیخواهد.

ما چطور؟

حسین ع پیشوائی است که در زیارت نامه اش میگوئیم

اشهد انک قد اقمت الصلوة ه اتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و اطعت الله و الرسول حتی اتيك اليقين .

شهادت میدهم که تو نماز پر باداشتی و زکوة دادی و مردم را به یکی امر کردی و از بدی بازداشتی و تادم و اوسین از خدا و پیمبر فرمان بردی .

ما چطور؟

نه تنها حسین (ع) بلکه یاران او که تربیت هدگان مکتب اسلام و قرآن بودند قدم بقدم از پیشوای خود پیروی میکردند .
سردارش عباس (ع) موقعیکه در عرصه مبارزه و جهاد با پیداد گران دست راست خود را اذ دست میدهد میفرماید :

یا نفس لاتخشی من الکفار فبشری برحمة الجبار

والله ان قطعتمو ایمینی انی احامی ابدآعن دینی

(در مبارزه با مستکبران باکی ندارم و با رحمت پروردگار پشت گرم هستم)
اگر دست راستم در جهاد از بین برود با دست چپ مدام از حق حمایت خواهم کرد .
ایشان نمونه ای از بسیاری فضائل حسین و سجایای یاران او بود که از اسلام الهام گرفته و نهال حق را چاقون خود آب داده و درخت تناور گردانیدند .

حال شیعه حسین - دوست حسین - پیرو حسین کسی است که از این سجایا بهره داشته و در این مبارزات شرکت کند و عملاً و قولاً از حسین پیروی کند و در راه حق از بدل جان و مال دریغ نکند والا با حلوا گفتن دهن شیرین نمیشود .

اگر ما واقعاً خواهان ایجاد رابطه و علاقه با حضرت حسین هستیم باید قدم بقدم راهی را که آن بزرگوار پیموده برویم و از هیچ مانعی در راه وصول به هدف مقدس حق نهراسیم در اینصورت میتوانیم بگوئیم ما مرید حسین مراد ماست و حسین امام ما و امام ما حسین هستیم والا ادعای بدون عمل و بلکه عمل وارونه دلیل غفلت ما بوده و وسیله ای است که ما را خواه ناخواه از حسین ع و هدف حسینی باز میدارد .
حسین از تعریف و توصیف ما غنی و مستغنی است و محتاج ما هستیم که برای سعادت خود باید هدف حسین را تعقیب کنیم تظاهر تو خالی و قول بلا عمل در بازار و ترازوی حقیقت وزنی ندارد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی